

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه لیل

استاد ضرابی فروردین ۱۴۰۰

جلسه هفتم ۱۴۰۰/۱/۷

آیات شریفه: «وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى (۱۷) الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى (۱۸) وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى (۱۹) إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى (۲۰) وَلَسَوْفَ يَرْضَى (۲۱)» - و پاک رفتارتر [این مردم] از آن دور داشته خواهد شد (۱۷) همان که مال خود را می دهد [برای آنکه] پاک شود (۱۸) و هیچ کس را به قصد پاداش یافتن نعمت نمی بخشد (۱۹) جز خواستن رضای پروردگارش که بسی برتر است [منظوری ندارد] (۲۰) و قطعاً بزودی خشنود خواهد شد (۲۱)»

عنوان : خلاصی از آتش، تنها با تقوا

« وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى »: از آنجا که جهنم ، باطن دنیاست یا بگو پلی است که میان بهشت و جهنم کشیده شده، در قرآن کریم می خوانیم که: «وَأِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا * ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثًّا - و هیچ کس از شما نیست مگر آنکه وارد دوزخ می شود، (و این ورود شما) از جانب پروردگارت حکمی قطعی است» (مریم/۷۲).

پس از ورود همه در دوزخ، ما افرادی را که خداترس و باتقوا بوده اند نجات خواهیم داد و ستمکاران را فرو گذاریم تا در آن آتش به زانو درافتند. منظور همین ورود در دنیاست .

لذا وقتی که از امام علیه السلام می پرسند آیاشما هم مشمول این آیه و این سخن هستید ؟ امام پاسخ می دهد : «جُزْأُهَا وَ هِيَ خَامِدَةٌ - آری ، اما هنگامی که ما از آن عبور کردیم خاموش بود ؛ یعنی ما از دنیا در حالی عبور کردیم که چنگال

هایش در ما فرو نرفت و در دام هایش نیفتادیم و وابستگی های آن به دامن ما بند نشد. « (علم الیقین، فیض کاشانی، ج ۲، ص ۹۷۱)

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که فرمودند: «... لَا يَبْقَى بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ إِلَّا يَدْخُلُهَا تَكُونُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ بَرْدًا وَسَلَامًا كَمَا كَانَتْ عَلَى إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) ... - هیچ نیکوکار و بدکاری باقی نمی ماند مگر اینکه در آن داخل می شود؛ پس برای مؤمنین سرد و سالم می باشد همانطور که برای ابراهیم (بود تا [آنجا] که آتش یا فرمود: «جهنم از سرمای آن ضجه و ناله می زند. سپس خداوند کسانی را که تقوا پیشه کردند [از آن] رهایی می بخشد و ستمکاران را درحالی که به زانو درآمده اند در آن رها می سازد». (بحار الأنوار، ج ۸، ص ۲۴۹)

و نیز از آن حضرت روایت شده است که: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَجْعَلُ النَّارَ كَالسَّمَنِ الْجَامِدِ وَ يَجْتَمِعُ عَلَيْهَا الْخَلْقُ ثُمَّ يُنَادِي الْمُنَادِي أَنْ خُذِي أَصْحَابَكَ وَ ذَرِي أَصْحَابِي فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَهِيَ أَعْرَفُ بِأَصْحَابِهَا مِنَ الْوَالِدَةِ بِوَلَدِهَا - خدای تعالی آتش را مانند روغن جامد قرار می دهد و خلق را بر روی آن جمع می کند. سپس منادی ندا می دهد که [ای جهنم]! یاران خود را بگیر و یاران مرا رها کن. سوگند به کسی که جانم در دست او است، او (جهنم) به یاران خود آشناتر است از مادر به فرزندش». (بحار الأنوار، ج ۸/ص ۲۵۰)

در روایت دیگر آن حضرت فرمود: «...يَرُدُّ النَّاسُ النَّارَ ثُمَّ يَصْدُرُونَ بِأَعْمَالِهِمْ فَأَوَّلُهُمْ كَلَمَعُ الْبَرْقِ ثُمَّ كَمَرُ الرِّيحِ ثُمَّ كَحُضْرِ الْفَرَسِ ثُمَّ كَالرَّاكِبِ ثُمَّ كَشَدِّ الرَّجُلِ ثُمَّ كَمَشْيِهِ. - مردم وارد آتش می شوند سپس به تناسب اعمالشان از آن خارج می شوند؛ اولین گروه از آن ها مانند درخشش رعد و برق، سپس دومین گروه مانند عبور باد، سپس سومین گروه مانند دویدن اسب، سپس چهارمین گروه مانند سواره، سپس پنجمین گروه مانند مرد دونده و سپس ششمین گروه مانند کسی که راه می رود، [از آن خارج می شوند].» (بحار الأنوار، ج ۸، ص ۲۴۹)

به راه راست توانی رسید در مقصود تو راست باش که هر دولتی که هست تو راست
تو چوب راست بر آتش دریغ می داری کجا به آتش دوزخ برند مردم راست

عنوان : باید از جو زمین خارج شد

« الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى »: در این آیه شریفه به بیان نحوه برکنار ماندن یا عبور و گذشتن از آتش جهنم یا همان گذشتن از دنیا سخن می‌گوید .

از این بیان معلوم می‌شود این گذشتن و عبور کردن، طی مسافت و گذشتن از مکانی و وارد مکان دیگری شده به مفهوم مادی آن نیست؛ بلکه گذشتن از دنیا گذشتن از تعلقات و دلبستگی‌های آن است (يَتَزَكَّى) که با انفاق مال و جان در راه خدا تحقق می‌یابد (يُؤْتِي مَالَهُ).

بنابراین نباید مقصود از انفاق و صدقه بازگشت ثمره و بهره در دنیا باشد که اگر این طور شد، نتوانسته است از عالم دنیا فراتر رود و شاید بتوان نیت دادن صدقه برای دفع بلا و مصون ماندن از بیماری‌ها و این موارد را داخل در داشتن توقع و انتظار بازگشت نتیجه و ثمر دنیایی دانست مگر آنکه انجام این امور به نیت تقرب به خدا باشد.

از این رو فرمود: « وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى » یعنی به هیچ کس به قصد دریافت پاداش و رسیدن به بهره دنیایی نمی‌بخشد بلکه برای خودسازی و تحصیل رضای خدا که در تعبیر زیبای قرآن کریم آمده است: «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطُلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» و مثل آنان که مالشان را در راه خشنودی خدا انفاق کنند و برای تربیت نفس خود اهتمام دارند، مثل آنها مثل بوستانی است که در زمین بلندی باشد و بر آن باران زیادی به موقع ببارد و حاصلی دو چندان (که منتظرند) دهد، و اگر باران زیاد نیاید، اندک بارد (تا باز به ثمر رسد)، و خدا (به کار شما) بیناست» (بقره/ ۲۶۵).

چنین انفاقی در برابر، انفاقی است که از آن ثمر دنیایی انتظار دارد، که در قرآن کریم آن را توصیف نموده است به قطعه سنگی که بر آن لایه نازکی از خاک باشد و با بارش باران، خاک‌ها شسته شده سنگ صاف و بی‌ثمر نمایان می‌شود:

(كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانَ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا ... (بقره/۲، ۲۶۴))

چون طهارت نبود کعبه و بتخانه یکی است نبود خیر در آن خانه که عصمت نبود

عنوان : نیت برتر از عمل بلکه حقیقت عمل

« إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى » : انفاق و صدقه در اعطای مال محدود نمی‌شود، بلکه گفتار نیکو و درگذشتن از خطاها و ارائه برخی خدمات جسمی و فکری و حمایتی به تناسب نوع نیاز در مواردی بهتر از انفاق مالی شمرده شده است: « قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَى » (بقره/۲۶۳)

در انفاق واجب، آشکار پرداختن آن بهتر است، و در انفاق مستحب، پنهانی بودن آن؛ از همین رو در قرآن کریم حق تعالی می‌فرماید: « إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ يُكْفِّرْ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ - اگر (به مستحقان) آشکارا صدقه دهید کاری نیکوست، لیکن اگر در پنهانی به فقیران (آبرومند) رسانید برای شما نیکوتر است و خدا (به پاداش آن) برخی از گناهان شما را محو و مستور دارد، و خداوند از (آشکارا و نهان) آنچه می‌کنید آگاه است. (البقره، ۲۷۱) »

در این زمینه امام صادق (علیه السلام) فرمود: «فَكُلُّ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْكَ فَإِعْلَانُهُ أَفْضَلُ مِنْ إِسْرَارِهِ وَ كُلُّ مَا كَانَ تَطَوُّعاً فَإِسْرَارُهُ أَفْضَلُ مِنْ إِعْلَانِهِ - هر چیزی را که خدا بر تو واجب کرده است ، آشکار کردنش بهتر از پنهان داشتن آن است و هر امر مستحبی مخفی کردنش بهتر از آشکار نمودنش می‌باشد» (کافی، ج ۳، ص ۵۰۱).

در هر صورت آنچه اساس صحت و پذیرش انفاق است خالص بودن و تحقق آن به جذب تحصیل رضای محبوب عالمیان است؛ از این رو پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: «يَا ابْنَ مَسْعُودٍ إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَأَعْمَلْ لِلَّهِ خَالِصًا لِأَنَّهُ لَا يَقْبَلُ مِنْ عِبَادِهِ إِلَّا عَمَالَ إِلَّا مَا كَانَ خَالِصًا ... - ای پسر مسعود! هرگاه عملی انجام می‌دهی، آن را

خالص برای خدا انجام بده ؛ زیرا که خدا کردار بندگانش را نمی‌پذیرد مگر آنچه که خالص برای او باشد...» (بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۰۵)

«در احوالات مرحوم آیت الله العظمی بروجردی فقیه بزرگواری که خدای متعال خیرات فراوانی به ایشان داده بود، نقل کرده اند: روزهای آخر عمرشان خیلی گریه می کردند. از ایشان پرسیدند: آقا شما با این همه عمل چرا این گونه اید؟ ایشان این روایت نورانی را خوانده بودند که «أَخْلَصَ الْعَمَلُ فَإِنَّ النَّاقِدَ بَصِيرٌ» عملتان را خالص کنید، چون کسی که می خواهد نقد کند و عیار بزند، بصیر است و می فهمد چه خبر است؛ (بحار/باب ۱۸/ص ۴۰۸)

«يَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفَى» : ممکن است یک صرافی زیاد خبره نباشد، ظاهر طلا را که درست می کند، دیگر نمی فهمد باطن سکه چگونه است، ولی آنکه خبیر است می فهمد که این خالص نیست، عیار که می زند می فهمد. خدای متعال عیار به عمل می زند. نیت صادق یعنی اینکه جز خدا در نیت انسان نباشد. «النِّيَّةُ أَفْضَلُ مِنَ الْعَمَلِ» (کافی/ص ۱۵)

امام صادق (ع) در روایتی که در کافی نقل کرده فرمودند: خدای متعال نفرمود «لِيَبْلُوكُمْ أَكْثَرَكُمْ عَمَلًا» ببیند کی بیشتر عمل می کند؟ (ملک/۲) البته عمل زیاد هم اگر با اخلاص باشد خوب است. نه اینکه انسان باید عمل زیاد را رها کند.

امیرالمؤمنین (ع) در روایتی می فرماید: در شب هزار رکعت نماز بخوان. عمل زیاد خوب است، ولی «وَلَكِنْ أَصَوَّبَكُمْ عَمَلًا» (بحار/ص ۲۱۳) خدای متعال می خواهد ببیند کدام عملتان صائب تر است و بیشتر به هدف می رسد. زیاد تیراندازی کردن مهم نیست، به هدف زدن مهم است. «<http://karevansadeghiye.ir>»

دل اگر پاک بود جلوه گه نور خداست سینه پاک دلان آینه دوست نماست

عنوان : آن سوی رنج ها و سختی ها

« وَلَسَوْفَ يَرْضَى »: این آخرین آیه شریفه باید طبق قاعده‌ای که مکرر گفته شد با محتوای اولین آیه تطبیق کند؛ اولین آیه « وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى » از شب ظلمانی سخن می‌گوید آن وقتی که فراگیر می‌شود یا به اوج خود می‌رسد.

شما دانستید که سختی‌ها و رنج‌ها و اشک‌هایی که برای خدا در دل شب‌ها ریخته می‌شود و صدقاتی که پنهانی برای رضای خدا انجام می‌گیرد و مقاومت‌ها و صبر و استقامت‌ها در راه خدا اگر چه چهره‌ای سخت و خشن و بی رحم و تاریک و غریب در این سوی عالم دارد، چهره آنسویی آن، که اهل یقین می‌دانند همان رضوان الهی است « فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا - پس (بدان که به لطف خدا) با هر سختی البته آسانی هست (شرح/۵) »

« لَاح فِي ظِلِّ السَّوَى شمس الهدى / لا تكن حيران في تيه الضلال ». (در سایه‌ها هم چیزی جز خورشید هدایت نیست . در وادی ضلالت سرگردان نباش). اگر خوب دقت کنی خواهی یافت که سایه‌ها و ظلمت‌ها وقتی وجود دارند که نور باشد بلکه وجود سایه به گونه خود نور را حکایت می‌کنند.

« يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ - ای انسان البته با هر رنج و مشقت (در راه طاعت و عبادت حق بکوش که) عاقبت به حضور پروردگار خود می‌روی. » (انشقاق/۶)

امام صادق (علیه السلام) در تطبیق معنای این آیه شریفه با اکمل افراد مؤمنین، می‌فرماید: « وَلَسَوْفَ يَرْضَى إِذَا عَايَنَ الثَّوَابَ - یعنی امیرمؤمنان (علیه السلام) و بهزودی [از مواهب فراوان الهی] راضی و خشنود می‌شود. (بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۴۶) و البته دیگر مؤمنین به مراتب ایمان و عمل صالح. » - رزقنا الله و آياكم.

گفت پیغمبر که هر که از یقین	داند او پاداش خود در یوم دین
که یکی را ده عوض می‌آیدش	هر زمان جودی دگرگون زایدش